Journal of Management, Education and Development in Digital Age

Submission Date: 2026-04-06 Revision Date: 2026-09-06 Accept Date: 2026-09-14 Initial Publish Date: 2026-09-26 Final Publish Date: 2028-02-20

Identifying the Economic and Non-Economic Benefits of Postgraduate Education from the Experts' Perspective

1. Sayyid Fateh Asaadi: Department of Educational Sciences, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

2. Soheila Hossainpour*: Department of Educational Studies and Curriculum Planning, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

3. Hamed Ghaderzade: Department of Agricultural Economics, University of Kurdistan, Iran

4. Farogh Yazdanseta: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Sagh.C., Islamic Azad University, Saghez, Iran

***Corresponding Author's Email Address: shossainpour@iau.ir**

Abstract:

This study aimed to identify and explain the economic and non-economic benefits of postgraduate education and its implications for individual, social, and developmental dimensions from the perspective of higher education experts. This developmental study adopted a qualitative approach using thematic analysis. The research field comprised faculty members of public, Islamic Azad, and Payame Noor universities in Kurdistan Province. Twenty-eight experts with 9–35 years of experience in higher education were purposively selected until data saturation was achieved. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed according to Braun and Clarke's six-phase thematic analysis framework. The interviews addressed experts' views on pursuing postgraduate education, its individual and public benefits, and its perceived effects on health, economic, social, and cultural-political indicators of development. The thematic analysis indicated that postgraduate education can function as both an individual and a social need through the development of personal philosophy and insight, specialization of knowledge, research and occupational benefits, and greater attention to societal needs. At the individual level, postgraduate education was associated with enhanced self-efficacy and self-awareness, improved family quality of life, broader occupational and financial prospects, and personal knowledge development. At the public level, it contributed to greater knowledge and awareness, expanded worldview, improved social and cultural attitudes, increased civic participation and social capital, and societal economic development. Postgraduate education was also associated with improved health-related awareness and behaviors, selected dimensions of living standards and quality of life, greater economic participation, strengthened social trust and participation, and more democratic, egalitarian, and post-materialist orientations. Nevertheless, economic and social benefits were conditional on structural circumstances, labor-market conditions, and access to appropriate employment opportunities. Postgraduate education generates multidimensional economic and non-economic benefits extending beyond income and employment to scientific, psychological, social, health, and cultural-political domains. Realizing these benefits more fully requires stronger alignment between postgraduate programs and labor-market needs, supportive institutional infrastructures, and more effective utilization of graduates' scientific and professional capacities.

Keywords: Economic benefits, Non-economic benefits, Postgraduate education, Higher education, Human development, Thematic analysis

How to Cite: Asaadi, S. F., Hossainpour, S., Ghaderzade, H., & Yazdanseta, F. (2027). Identifying the Economic and Non-Economic Benefits of Postgraduate Education from the Experts' Perspective. *Management, Education and Development in Digital Age*, 4(6), 1-23.

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

نشریه مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ تاریخ انتشار اولیه: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ تاریخ انتشار نهایی: ۱۴۰۶/۱۲/۰۱

شناسایی مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی دوره‌های آموزش تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان

۱. سید فاتح اسعدی: دانشجوی دکترای تخصصی، گروه علوم تربیتی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. سهیلا حسین‌پور*: گروه علمی مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۳. حامد قادرزاده: گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

۴. فاروق یزدان‌ستا: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: shossainpour@iau.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن برای ابعاد فردی، اجتماعی و شاخص‌های توسعه از دیدگاه خبرگان آموزش عالی بود. این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر رویکرد، کیفی بود و با استفاده از تحلیل مضمون انجام شد. میدان پژوهش شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و پیام نور استان کردستان بود که از میان آنان ۲۸ خبره دارای ۹ تا ۳۵ سال سابقه فعالیت در آموزش عالی به‌صورت هدفمند و تا دستیابی به اشباع داده‌ها انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و بر اساس چارچوب شش‌مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل شدند. پرسش‌های مصاحبه بر نگرش نسبت به ادامه تحصیل، منافع فردی و عمومی تحصیلات تکمیلی و تأثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ـ سیاسی متمرکز بود. تحلیل مضمون نشان داد که تحصیلات تکمیلی از طریق توسعه فلسفه و بینش فردی، تخصصی‌شدن دانش، ایجاد منافع پژوهشی و شغلی و توجه بیشتر به نیازهای اجتماعی، می‌تواند به‌مثابه یک نیاز فردی و اجتماعی عمل کند. در سطح فردی، تحصیلات تکمیلی با توسعه خودکارآمدی و خودآگاهی، بهبود کیفیت زندگی خانوادگی، ارتقای چشم‌انداز شغلی و مالی و گسترش دانش شخصی همراه بود. در سطح عمومی، توسعه آگاهی و دانش، ارتقای جهان‌بینی، بهبود نگرش اجتماعی و فرهنگی، افزایش مشارکت مدنی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه شناسایی شد. همچنین، تحصیلات تکمیلی با ارتقای آگاهی و رفتارهای مرتبط با سلامت، بهبود برخی ابعاد کیفیت و استاندارد زندگی، افزایش مشارکت اقتصادی، تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و توسعه نگرش‌های دموکراتیک، برابری‌خواهانه و فرامادی مرتبط بود. بااین‌حال، این آثار در حوزه اقتصادی و اجتماعی به شرایط ساختاری، بازار کار و فرصت‌های شغلی وابسته بودند. تحصیلات تکمیلی دارای مجموعه‌ای چندبعدی از منافع اقتصادی و غیراقتصادی است که فراتر از افزایش درآمد و اشتغال، ابعاد علمی، روان‌شناختی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی ـ سیاسی را دربرمی‌گیرد؛ بااین‌حال، تحقق کامل این منافع مستلزم تناسب آموزش با نیازهای بازار کار، تقویت زیرساخت‌های حمایتی و استفاده مؤثر از ظرفیت علمی دانش‌آموختگان است.

کلیدواژگان: *مزیت‌های اقتصادی، مزیت‌های غیراقتصادی، تحصیلات تکمیلی، آموزش عالی، توسعه انسانی، تحلیل مضمون*

نحوه استناددهی: اسعدی، سید فاتح.، حسین‌پور، سهیلا.، قادرزاده، حامد.، و یزدان‌ستا، فاروق. (۱۴۰۶). شناسایی مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی دوره‌های آموزش تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان. *مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال*، ۴(۶)، ۲۳-۱.

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

آموزش عالی یکی از بنیادی‌ترین نهادهای تولید، انتقال و بازتولید دانش در جوامع معاصر است و کارکرد آن دیگر صرفاً به ارائه آموزش رسمی و اعطای مدرک دانشگاهی محدود نمی‌شود. دانشگاه‌ها از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص، توسعه قابلیت‌های شناختی و حرفه‌ای، گسترش ظرفیت پژوهش و نوآوری، انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و فراهم‌کردن زمینه مشارکت مؤثرتر افراد در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نقشی چندبعدی در فرایند توسعه ایفا می‌کنند. در این میان، تحصیلات تکمیلی به دلیل تمرکز بیشتر بر دانش تخصصی، پژوهش، تولید دانش و تربیت نیروهای دارای مهارت‌های تحلیلی سطح بالا، جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش عالی دارد. نگاه سرمایه انسانی به آموزش نیز بر این فرض استوار است که سرمایه‌گذاری در دانش و مهارت افراد می‌تواند ظرفیت‌های مولد آنان را افزایش دهد و در سطح کلان به ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی منجر شود (Goldin, 2016). از این منظر، تحصیلات تکمیلی را می‌توان شکلی پیشرفته از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی دانست که آثار آن هم در زندگی فردی دانش‌آموختگان و هم در عملکرد اقتصادی، اجتماعی و نهادی جامعه قابل مشاهده است.

پیوند میان آموزش و توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین محورهای ادبیات اقتصاد آموزش است. در این چارچوب، آموزش نه یک هزینه مصرفی، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی می‌شود که از طریق افزایش قابلیت‌های نیروی انسانی، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، افزایش بهره‌وری، تقویت ظرفیت نوآوری و تسهیل جذب و تولید فناوری می‌تواند بر عملکرد اقتصادی اثرگذار باشد. مباحث اقتصاد آموزش نشان می‌دهد که تحلیل بازده آموزش باید علاوه بر هزینه‌های مستقیم و فرصت‌های ازدست‌رفته، منافع آتی ناشی از بهبود درآمد، اشتغال و بهره‌وری را نیز در نظر گیرد (Mehrbani, 2016; Motevaseli & Ahanchian, 2016). شواهد بین‌المللی نیز رابطه میان توسعه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که آموزش و انباشت سرمایه انسانی از عوامل مؤثر بر ظرفیت رشد اقتصادی کشورها شناخته شده‌اند (Islam et al., 2016). همچنین، مطالعات انجام‌شده درباره رابطه علی آموزش عالی و توسعه اقتصادی نشان داده‌اند که گسترش و تقویت آموزش عالی می‌تواند با سازوکارهای مختلفی با توسعه اقتصادی در ارتباط باشد، هرچند شدت و جهت این ارتباط تحت تأثیر ساختارهای اقتصادی، کیفیت نظام آموزشی و ظرفیت جذب دانش‌آموختگان در بازار کار قرار دارد (Hamdan et al., 2020). بررسی تجربه کشورهایی مانند رومانی نیز بر نقش آموزش به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی تأکید کرده است (Mariana, 2015).

در ایران نیز رابطه آموزش، توسعه آموزشی و عملکرد اقتصادی مورد توجه پژوهشگران بوده است. مطالعات داخلی نشان داده‌اند که آموزش و پژوهش از طریق تقویت منابع انسانی و افزایش ظرفیت علمی و فناوری می‌توانند با توسعه اقتصادی ارتباط داشته باشند (Asadpour, 2018). بررسی تطبیقی توسعه آموزشی در ایران و کشورهای منتخب نیز نشان می‌دهد که نحوه گسترش نظام آموزشی و کیفیت پیوند آن با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در نتایج توسعه‌ای آموزش تعیین‌کننده باشد (Barbari et al., 2017). در حوزه خاص آموزش عالی زنان نیز شواهدی درباره نقش افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی و آثار آن بر رشد اقتصادی ایران ارائه شده است که نشان می‌دهد منافع آموزش عالی می‌تواند از طریق افزایش ظرفیت مشارکت اقتصادی گروه‌های مختلف اجتماعی نیز تحقق یابد (Al-e Omran & Al-e Omran, 2019). بنابراین، ارزیابی مزایای تحصیلات تکمیلی صرفاً بر اساس درآمد مستقیم فارغ‌التحصیلان نمی‌تواند تصویر کاملی از ارزش اقتصادی این سطح از آموزش ارائه دهد؛ زیرا بخشی از بازده آن از طریق افزایش کیفیت سرمایه انسانی، مشارکت اقتصادی، بهره‌وری، نوآوری و آثار سرریز دانش به جامعه منتقل می‌شود.

با وجود اهمیت منافع اقتصادی، ادبیات آموزش عالی طی سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای بر این نکته تأکید کرده است که ارزش آموزش را نباید صرفاً با معیارهای بازار و درآمد اندازه‌گیری کرد. گزارش‌های مربوط به منافع آموزش عالی نشان می‌دهند که افراد دارای تحصیلات بالاتر، علاوه بر برخورداری از برخی مزایای شغلی و مالی، ممکن است در حوزه‌هایی مانند سلامت، مشارکت مدنی، کیفیت تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماعی و رفاه فردی نیز پیامدهای متفاوتی تجربه کنند (Ma et al., 2016). مفهوم «منافع غیر بازاری» آموزش بر همین دسته از پیامدهایی تمرکز دارد که الزاماً در دستمزد یا درآمد پولی منعکس نمی‌شوند، اما برای فرد، خانواده و جامعه دارای ارزش قابل توجه هستند. پژوهش درباره منافع غیر بازاری آموزش و توانایی نشان داده است که آثار آموزش می‌تواند طیف گسترده‌ای از رفتارها و پیامدهای فردی و اجتماعی را دربرگیرد و از این رو ارزیابی بازده

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

آموزش بدون توجه به این منافع، ناقص خواهد بود (Heckman et al., 2018). مرور ادبیات مربوط به منافع گسترده‌تر آموزش عالی نیز نشان داده است که پیامدهای دانشگاه فراتر از نتایج اقتصادی خصوصی قرار می‌گیرد و حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی را نیز دربرمی‌گیرد (Brennan et al., 2013).

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های منافع غیراقتصادی آموزش، سلامت فردی و اجتماعی است. رابطه میان سطح تحصیلات و رفتارهای سلامت از مدت‌ها پیش مورد توجه اقتصاددانان و پژوهشگران سلامت قرار گرفته است. تفاوت در دانش، مهارت پردازش اطلاعات، افق زمانی تصمیم‌گیری، دسترسی و استفاده از اطلاعات و توانایی انتخاب رفتارهای سالم‌تر از جمله سازوکارهایی هستند که می‌توانند رابطه میان آموزش و رفتارهای سلامت را توضیح دهند (Cutler & Lleras-Muney, 2010). در همین راستا، بررسی آموزش و سلامت در چارچوب گسترده‌تر پیامدهای اجتماعی آموزش نشان می‌دهد که افزایش تحصیلات می‌تواند با ابعاد مختلف سلامت و کیفیت زندگی ارتباط داشته باشد (Miyamoto & Chevalier, 2010). این موضوع در مورد تحصیلات تکمیلی اهمیت خاصی دارد، زیرا تجربه آموزش پیشرفته ممکن است علاوه بر افزایش دانش تخصصی، توانایی جست‌وجو و ارزیابی اطلاعات، مهارت حل مسئله، خودآگاهی و شیوه مواجهه افراد با مسائل پیچیده زندگی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بااین‌حال، تحصیل در مقاطع عالی می‌تواند هم‌زمان با فشارهای زمانی، مالی و روانی نیز همراه باشد؛ بنابراین، آثار سلامت و رفاهی آن باید از منظر تجربه واقعی افراد بررسی شود و نمی‌توان به‌صورت پیشینی همه پیامدهای آن را مثبت فرض کرد.

بعد اجتماعی آموزش عالی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. دانشگاه نه‌تنها فضای کسب دانش تخصصی، بلکه یکی از محیط‌های شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، تعامل با گروه‌های متنوع، تجربه گفت‌وگو، تقویت تفکر انتقادی و بازاندیشی در ارزش‌ها و نگرش‌های فردی است. از این رو، منافع تحصیلات تکمیلی می‌تواند در قالب افزایش سرمایه اجتماعی، گسترش شبکه‌های حرفه‌ای و علمی، ارتقای اعتماد اجتماعی، بهبود مهارت‌های ارتباطی و افزایش تمایل به مشارکت در فعالیت‌های مدنی ظهور یابد. گسترش کمی آموزش عالی در ایران نیز پیامدهای اجتماعی متعددی به همراه داشته و نشان داده است که توسعه آموزش دانشگاهی را باید هم‌زمان از منظر آثار فردی و تحولات اجتماعی حاصل از آن بررسی کرد (Fereidouni, 2017). در سطح سیاست‌گذاری نیز، آموزش عالی بخشی از نظام کلان سیاست عمومی است و کیفیت پیامدهای آن به نحوه تنظیم اهداف، سیاست‌ها، تخصیص منابع و هماهنگی میان بخش آموزش با سایر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد (Niazazari et al., 2011). از این منظر، صرف افزایش تعداد دانشجویان یا دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی لزوماً به تحقق خودکار منافع عمومی منجر نمی‌شود، بلکه وجود نهادها و سیاست‌هایی که امکان به‌کارگیری مؤثر ظرفیت‌های علمی افراد را فراهم کنند، اهمیت اساسی دارد.

مسئله اشتغال و تناسب میان تحصیلات دانشگاهی و نیازهای بازار کار نیز یکی از مهم‌ترین نقاط پیوند میان منافع اقتصادی و غیراقتصادی تحصیلات تکمیلی است. انتظار سنتی از تحصیلات عالی آن است که افزایش دانش و مهارت، فرصت دستیابی به موقعیت‌های شغلی بهتر را فراهم کند؛ بااین‌حال، قابلیت اشتغال دانش‌آموختگان صرفاً تابع داشتن مدرک نیست و به مجموعه‌ای از توانمندی‌های تخصصی، مهارت‌های قابل انتقال، ویژگی‌های فردی و میزان انطباق آموزش دانشگاهی با نیازهای واقعی محیط کار بستگی دارد (Entezari, 2016). هنگامی که میان گسترش تحصیلات تکمیلی و ظرفیت بازار کار عدم تعادل ایجاد شود، ممکن است بازده اقتصادی مورد انتظار کاهش یابد و مسائلی مانند اشتغال نامتناسب با رشته، تأخیر در ورود به بازار کار، افزایش انتظارات شغلی و نارضایتی از بازده سرمایه‌گذاری آموزشی شکل گیرد. در مقابل، چنانچه برنامه‌های تحصیلات تکمیلی با نیازهای توسعه‌ای جامعه و اقتصاد هماهنگ باشند، می‌توانند زمینه تولید دانش کاربردی، توسعه نوآوری و ارتقای کیفیت نیروی انسانی را فراهم کنند. بنابراین، مزیت‌های تحصیلات تکمیلی ماهیتی مطلق ندارند و باید در نسبت با زمینه نهادی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی شوند.

داده‌های تطبیقی آموزش نیز نشان می‌دهد که نظام‌های آموزش عالی با وجود تفاوت در ساختار، منابع و سیاست‌ها، عموماً با پرسش مشترکی درباره چگونگی افزایش کیفیت، دسترسی، اثربخشی و بازده اجتماعی آموزش مواجه‌اند. شاخص‌های بین‌المللی آموزش عالی بر اهمیت توجه هم‌زمان به مشارکت آموزشی، منابع، پیامدهای تحصیل و انتقال دانش‌آموختگان به بازار کار تأکید دارند (Oecd, 2022). در چنین شرایطی، بحث درباره منافع تحصیلات تکمیلی نمی‌تواند مستقل از تحولات جدید دانشگاه در نظر گرفته شود. امروزه دانشگاه‌ها تحت تأثیر دیجیتالی‌شدن، گسترش شیوه‌های ترکیبی آموزش، افزایش انعطاف در ارائه خدمات آموزشی و تغییر انتظارات دانشجویان و جامعه قرار گرفته‌اند. فناوری آموزشی از یک سو امکان افزایش دسترسی، انعطاف و ایجاد شکل‌های جدید یادگیری را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی جدیدی

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

را برای آموزش عالی ایجاد کرده است؛ ازاین‌رو، استفاده از فناوری باید در چارچوبی متوازن و مبتنی بر پایداری و ارزش‌های انسانی ارزیابی شود (Versteijlen & Groesbeek, 2024).

تحولات فناورانه همچنین مفهوم ظرفیت انسانی و مدیریت منابع انسانی در دانشگاه‌ها را دگرگون کرده است. توسعه محلی و منطقه‌ای از دانشگاه انتظار دارد که تنها تولیدکننده مدرک نباشد، بلکه بتواند سرمایه انسانی و فرایندهای مدیریتی خود را با فناوری‌های نوظهور، نیازهای محیطی و الزامات توسعه هماهنگ سازد (Ghanizadeh Gerayli et al., 2025). در همین زمینه، مدیریت تغییر در آموزش عالی به یکی از موضوعات کلیدی تبدیل شده است؛ زیرا دانشگاه‌ها برای حفظ کیفیت در شرایط تغییر محیطی، بحران‌ها و تنوع شیوه‌های ارائه آموزش، نیازمند انعطاف سازمانی، ارتقای مهارت اعضای هیئت علمی، استفاده هدفمند از فناوری و رویکردهای دانشجومحور هستند (Depoo & Hyršlová, 2025). بنابراین، ارزش تحصیلات تکمیلی در محیط معاصر علاوه بر محتوای آموزشی و مدرک تحصیلی، به کیفیت تجربه دانشگاهی، ظرفیت یادگیری مستمر و توان نظام دانشگاهی برای پاسخ‌گویی به تغییرات نیز وابسته است.

هم‌زمان، توسعه آموزش عالی نیازمند توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان و ایجاد فرصت‌هایی است که امکان بالفعل‌شدن استعدادها را فراهم کند. رویکردهای آموزشی تفکیک‌شده بر این نکته تأکید دارند که یادگیری در آموزش عالی زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که تفاوت در استعداد، نیازها، قابلیت‌ها و مسیر رشد دانشجویان در طراحی آموزش مورد توجه قرار گیرد (Toshpulatov, 2025). این دیدگاه برای تحلیل مزایای تحصیلات تکمیلی مهم است، زیرا افراد با انگیزه‌ها و اهداف یکسان وارد دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری نمی‌شوند؛ برخی در پی رشد علمی و پژوهشی، برخی به دنبال فرصت‌های شغلی و درآمدی، برخی خواهان ارتقای منزلت حرفه‌ای و برخی در جست‌وجوی توسعه شخصی و فکری هستند. در نتیجه، تجربه و ارزیابی آنان از منافع تحصیلات تکمیلی نیز می‌تواند متفاوت باشد و تحلیل این تفاوت‌ها مستلزم توجه به ادراک و تجربه زیسته کنشگران آموزش عالی است.

از سوی دیگر، رابطه فرد با دانشگاه حتی پس از فراغت از تحصیل نیز می‌تواند بخشی از منافع بلندمدت تجربه آموزش عالی را شکل دهد. رضایت از تجربه دانشگاهی و شکل‌گیری همانندسازی با دانشگاه می‌تواند در تداوم رابطه دانش‌آموختگان با مؤسسه آموزش عالی و تعهد آنان به جامعه دانشگاهی نقش داشته باشد (Harti, 2025). این مسئله نشان می‌دهد که پیامدهای تحصیلات تکمیلی الزاماً در لحظه دریافت مدرک پایان نمی‌یابد، بلکه ممکن است در قالب شبکه‌های حرفه‌ای، همکاری علمی، مشارکت دانش‌آموختگان و احساس تعلق نهادی در سال‌های بعد ادامه پیدا کند. چنین پیامدهایی را نمی‌توان صرفاً بر اساس متغیرهای درآمدی سنجید و لازم است مفهوم مزیت تحصیلات تکمیلی به‌گونه‌ای گسترده تعریف شود که آثار روان‌شناختی، حرفه‌ای، اجتماعی و نهادی را نیز پوشش دهد.

گسترش دانشگاه دیجیتال نیز ابعاد تازه‌ای به این بحث افزوده است. افزایش استفاده از داده‌های آموزشی، سامانه‌های هوشمند و پلتفرم‌های دیجیتال می‌تواند فرصت‌هایی برای شخصی‌سازی خدمات و افزایش دسترسی ایجاد کند، اما هم‌زمان موضوعاتی مانند حکمرانی داده، حقوق دانشجویان، فراگیری و پاسخ‌گویی نهادی را برجسته می‌سازد. رویکردهای جدید به اصلاح دانشگاه دیجیتال نشان می‌دهند که تحقق منافع آموزش در محیط فناورانه مستلزم توجه هم‌زمان به کارایی، عدالت، حقوق دانشجویان و سازوکارهای نهادی مناسب است (Gran, 2026). بر این اساس، ارزیابی منافع آموزش عالی در شرایط کنونی باید علاوه بر معیارهای سنتی اشتغال و درآمد، توان دانشگاه در ایجاد تجربه‌ای فراگیر، منصفانه، منعطف و توسعه‌دهنده را نیز در نظر گیرد.

مجموع مباحث فوق نشان می‌دهد که مزایای تحصیلات تکمیلی ساختاری چندسطحی و چندبعدی دارند. در سطح فردی، افزایش دانش تخصصی، قابلیت‌های پژوهشی، خودکارآمدی، منزلت حرفه‌ای، فرصت‌های شغلی، درآمد، کیفیت زندگی و رضایت از رشد شخصی می‌تواند از جمله پیامدهای آن باشد؛ در سطح خانوادگی، آموزش بالاتر ممکن است از طریق تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر، انتقال سرمایه فرهنگی و بهبود منابع اقتصادی بر کیفیت زندگی اثر بگذارد؛ و در سطح اجتماعی، انتشار دانش، افزایش مشارکت مدنی، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه فرهنگی، ارتقای ظرفیت نوآوری و رشد سرمایه انسانی می‌تواند مطرح باشد. ادبیات موجود، هر یک از این ابعاد را از زوایای مختلف مطالعه کرده است، اما همچنان ضرورت نگاه یکپارچه به منافع اقتصادی و غیراقتصادی آموزش عالی وجود دارد. به‌ویژه در شرایطی که هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحصیلات تکمیلی افزایش یافته و هم‌زمان انتظارات افراد از آثار شغلی، اجتماعی و فردی مدارک دانشگاهی بالا رفته است، شناخت برداشت خبرگان از توازن میان هزینه‌ها و مزایا اهمیت بیشتری یافته است.

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

از سوی دیگر، تفاوت میان بازده خصوصی و بازده عمومی آموزش سبب می‌شود که قضاوت درباره مطلوبیت تحصیلات تکمیلی صرفاً از منظر تجربه اقتصادی یک فرد کافی نباشد. ممکن است فردی در کوتاه‌مدت افزایش قابل توجهی در درآمد تجربه نکند، اما تحصیل وی آثار مثبت دیگری در قالب تولید دانش، انتقال تخصص، افزایش کیفیت خدمات، تربیت نیروی انسانی، مشارکت اجتماعی یا ارتقای سلامت و فرهنگ ایجاد کند. در مقابل، گسترش تحصیلات تکمیلی بدون توجه به نیازهای بازار کار، کیفیت آموزشی و ظرفیت جذب دانش‌آموختگان می‌تواند موجب کاهش برخی بازده‌های مورد انتظار شود. از همین رو، بررسی مزیت‌های این دوره‌ها نیازمند رویکردی است که هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌ها را شناسایی کند و دیدگاه‌های موافق، منتقد و مشروط نسبت به ادامه تحصیل را در کنار یکدیگر قرار دهد. ادبیات مربوط به منافع آموزش عالی و سرمایه انسانی نیز بر ضرورت عبور از ارزیابی تک‌بعدی و بررسی مجموعه پیامدهای اقتصادی و غیراقتصادی تأکید دارد (Goldin, 2016; Heckman et al., 2018; Ma et al., 2016).

با وجود مطالعات متعدد درباره رابطه آموزش با رشد اقتصادی، قابلیت اشتغال، سلامت، پیامدهای اجتماعی و سرمایه انسانی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها هر یک تنها بر یک پیامد خاص تمرکز کرده‌اند و شناخت جامعی از نحوه درک هم‌زمان منافع اقتصادی و غیراقتصادی تحصیلات تکمیلی، به‌ویژه در بستر آموزش عالی ایران، همچنان نیازمند مطالعه بیشتر است. همچنین، شاخص‌های کمی به‌تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی تجربه تحصیلات تکمیلی را نشان دهند؛ زیرا برخی از پیامدهای مهم آن، مانند تغییر جهان‌بینی، افزایش اعتمادبه‌نفس، تحول در نگرش اجتماعی، احساس استقلال، ارتقای منزلت حرفه‌ای، توسعه شبکه‌های ارتباطی یا فشارهای روانی و اقتصادی، ماهیتی ادراکی و تجربه‌محور دارند. ازاین‌رو، استفاده از دیدگاه خبرگانی که خود دارای تجربه طولانی در آموزش عالی هستند، می‌تواند به شناسایی ابعادی کمک کند که در سنجش‌های صرفاً اقتصادی یا آماری کمتر نمایان می‌شوند و مبنایی برای سیاست‌گذاری متوازن‌تر در حوزه تحصیلات تکمیلی فراهم سازد.

هدف پژوهش حاضر شناسایی مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی دوره‌های آموزش تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش از منظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای و از نظر نوع داده‌ها و نحوه گردآوری داده‌ها کیفی است. در این مطالعه ابتدا با بهره‌گیری از روش کیفی و از طریق مصاحبه با خبرگان الگوی اولیه مشخص شد. پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون انجام شد. تحلیل مضمون یک روش برای تحلیل داده‌های کیفی و یکی از روش‌هایی است که بر شناسایی الگوی معنایی در یک مجموعه داده تمرکز دارد. این تحلیل، فرایند شناسایی الگوها یا تمها در بطن داده های کیفی است. در کار حاضر، از چارچوب ۶ مرحله‌ای براون و کلارک[1] (۲۰۰۶) پیروی شده است. هدف تحلیل مضمون، شناسایی تم‌ها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب توجه پژوهشگر است و از این تم ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده می کنند یا اینکه مطالبی در مورد یک مسئله می‌گویند(ماگویره و دلاهانت[2]، ۲۰۱۷). براون و کلارک (۲۰۰۶) یک راهنمای شش مرحله‌ای ارائه داده‌اند که چارچوبی بسیار مفید برای انجام این نوع تحلیل است.

میدان پژوهش در بخش کیفی پژوهش، شامل کلیه اساتید دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور در سطح استان کردستان بودند. حجم نمونه تا حد اشباع[3] شامل ۲۸ نفر از اساتید دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور در سطح استان کردستان بودند که از ۹ سال تا ۳۵ سال سابقه فعالیت در زمینه آموزش عالی داشتند و بصورت هدفمند شناسایی و انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. پروتکل مصاحبه شامل سوالاتی از جمله " شما چه نظری در مورد ادامه تحصیل در مقطع ارشد و دکترا (تحصیلات تکمیلی) دارید؟" و " تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) برای شما چه منافع شخصی و فردی و منافع عمومی داشته است؟". همچنین این سوال که تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) چه تأثیری برروی شاخص های بهداشت(زندگی سالم، تغذیه و سلامتی، درمان و امید به زندگی) در زندگی شما داشته است؟ تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) چه تأثیری برروی شاخص های اقتصادی(قدرت خرید، سطح زندگی مناسب، دستیابی به استانداردهای زندگی و نرخ مشارکت نیروی کار مرد و زن) در زندگی شما داشته

[1] Braun & Clarke
[2] Maguire & Delahunt
[3] Saturation

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

است؟ تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) چه تأثیری برروی شاخص های اجتماعی(اعتماد، سرمایه اجتماعی، آزادی فردی و اجتماعی، رفع تبعیض جنسی، پاسخگو بودن کارگزاران، ارزیابی پیامدها و مشارکت مردم در برنامه ریزی) در زندگی شما داشته است؟ و بلاخره تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) چه تأثیری برروی شاخص های فرهنگ سیاسی(شاخص استقلال، نگرش برابری جنسیتی، ارزش های فرامادی و نگرش دموکراسی) در زندگی شما داشته است؟ این پروتکل در بخش پیوست شماره ۱ آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد.

یافته‌ها

در جدول زیر اطلاعات و درصد فراوانی مشارکت‌کنندگان شامل: گروه تخصصی، مرتبه علمی، سابقه کار و رشته آمده است.

جدول ۱- جدول توزیع فراوانی اطلاعات مشارکت‌کنندگان

جامعه آماری	عنوان گروه تخصصی		مرتبه علمی			سابقه کار			
از	علوم انسانی	فنی-مهندسی	استادیار	دانشیار	استاد	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹
۲۸ نفر	۲۳	۵	۲۵	۲	۱	۲۱	۶	۱
دصد فراوانی	٪ ۸۲.۱	٪ ۱۷.۹	٪ ۸۹.۳	٪ ۷.۱	٪ ۳.۶	٪ ۷۵	٪ ۲۱.۴	٪ ۳.۶

حجم نمونه بخش کیفی شامل ۲۸ نفر خبره که همگی عضو هیأت علمی دانشگاه‌های استان کردستان با مرتبه علمی استادیار، دانشیار و استاد تمام بودند، از بین آنان ۲۵ نفر استادیار(۸۹.۳٪) در رشته‌های روانشناسی، فلسفه، مشاوره، کامپیوتر و جامعه‌شناسی هرکدام ۱ نفر(۳.۶٪)، مکانیک، حسابداری، برق و ادبیات هرکدام ۲ نفر(۷.۱٪)، فیزیولوژی ورزشی و حقوق هرکدام ۳ نفر(۱۰.۷٪)، مدیریت ۹ نفر(۳۲.۲٪)، ۲ نفر دانشیار(۷.۱٪) در رشته مدیریت و ۱ نفر استاد تمام(۳.۶٪) در رشته ادبیات می‌باشند. همچنین در جامعه آماری ۸۲.۱ ٪ افراد در گروه علوم انسانی و ۱۷.۹ ٪ در گروه فنی- مهندسی حضور دارند. از نظر سابقه‌کار تعداد ۲۱ نفر(۷۵ ٪) در بازه زمانی ۱۹- ۱۰ سال، ۶ نفر(۲۱.۴ ٪) در بازه زمانی ۲۹-۲۰ و ۱ نفر(۳.۶) در بازه زمانی ۳۹-۳۰ قرار دارند.

سوال ۱ـ دیدگاه خبرگان در مورد ادامه تحصیل چگونه است؟

در جدول (۲) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به دیدگاه خبرگان در مورد ادامه تحصیل آمده است.

جدول ۲- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۱

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده
توسعه فلسفه شخصی	بهبود دیدگاه فردی
	داشتن علاقه
	رشد بینش علمی
	ضرورت فردی ادامه تحصیل
	داشتن هدف
	شناخت بهتر انسان
داشتن برنامه و اهداف بلند مدت	منافع پژوهش
	افزایش لذت تحصیل
	بهبود زندگی فردی
	گرفتن مدرک
	افزایش درآمد
	افزایش تجربه
	داشتن مزایای اقتصادی

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

	یافتن کار مناسب
توسعه افق جامعه نگر	اهمیت برنامه جمعیتی
	اهمیت آمایش آموزش عالی
	توجه به مسائل اجتماعی
	توجه به انتظارات
	نیاز جامعه
	ارتقای توسعه
	داشتن مزایای اجتماعی
شخصی سازی دانش	تخصصی شدن حوزه ها
	آشنایی بیشتر با مسائل تخصصی
	برنامه ریزی
	انجام پژوهش
	دید تخصصی بهتر
	افزایش توان علمی

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، ادامه تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی منجر به ایجاد ۴ مضمون فراگیر و ۲۷ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۳) بیان کرده است که:

«برای ادامه تحصیل در این مقاطع باید به مسائل اجتماعی و اقتصادی آن توجه کرد؛ زیرا ادامه تحصیل هم ازلحاظ اقتصادی و هم ازلحاظ اجتماعی هزینه‌بر است. تحصیل کردن خیلی از وقت انسان‌ها را می‌گیرد.... همچنین باید پیامدهای این مقطع را در نظر بگیریم. گذراندن این مقطع برای همه‌ی کارکنان ادارات لازم نیست. در ضمن ادامه تحصیل برای کارکنان حتماً باید متناسب با کار و حرفه آن‌ها در اداره باشد. به نظر من امروزه در کشور ما- بر اساس تجارب و مشاهدات شخصی- اکثر کارکنان تحصیل‌کرده در مقطع بالا کارایی زیادی به دست نمی‌آورند و تحصیل آن‌ها صرفاً جنبه‌ی گرفتن مدرک و افزایش حقوق می‌باشد. گرفتن مدارک بالا را فقط برای اعضای هیئت‌علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشکده‌ها ضروری می‌دانم که بتوانند پژوهش انجام دهند. مدارک بالا برای کارهای اداری و اجرایی چندان کارایی ندارد و افراد بیشتر در محیط کار مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند نه به هنگام ادامه تحصیل»

سوال ۲ـ منافع فردی تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان کدام است؟

در جدول (۳) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به منافع شخصی و فردی تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) آمده است.

جدول ۳- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۲

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
توسعه کیفیت خانوادگی	تشکیل زندگی
	افزایش کیفیت زندگی
	استقلال بیشتر
	افزایش تبادل دیدگاه
	تربیت فرزندان
	افزایش کیفیت خانواده
توسعه خودکارآمدی و خودآگاهی	احساس کفایت اجتماعی
	تأثیر مثبت روحی و روانی
	ارتقای جایگاه شغلی
	آرامش و رضایت درونی

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

	افزایش اعتماد به نفس
	افزایش عزت نفس
	خودکارآمدی
توسعه چشم انداز شغلی و مالی	منافع مالی
	منافع پژوهشی
	بهبود آینده کاری
	افزایش درآمد
	موقعیت شغلی بهتر
	کسب موفقیت بیشتر
توسعه دانش شخصی	میل به کشف بیشتر
	منافع پژوهشی
	تمایل به ارتقای علمی
	افزایش سطح تخصص
	فهم علمی تر از انسان و جهان
	قدرت تشخیص بالاتر مسائل
	افزایش تبادل دیدگاه

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، منافع شخصی و فردی تحصیلات تکمیلی منجر به ایجاد ۴ مضمون فراگیر و ۲۶ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۶) بیان کرده است که:

«با آن شغل پیدا کردم. توانستم تشکیل خانواده بدهم و به زندگی‌ام سروسامان بدهم. اگر چنین مدرکی را نداشتم امکان نداشت که الآن چنین شغلی داشته باشم. همچنین ازلحاظ اقتصادی رشد کردم و علاوه بر اینکه خودم ازلحاظ مالی پیشرفت کردم توانستم به خانواده پدرم هم کمک کنم و بعضی از نیازهای مادی و معنوی آنان را برآورده کنم که قبلاً نمی‌توانستم. همچنین کیفیت زندگی‌ام ازلحاظ بهره‌مندی بیشتر از خوراک، پوشاک، مسکن، ماشین بالا رفت. در ضمن توانستم امکانات آموزشی بیشتری برای خودم فراهم کنم؛ مانند خرید لپ‌تاپ، گوشی هوشمند، انواع مواد آموزشی مثل کتاب‌های کاغذی و الکترونیکی، بسته‌های اینترنتی و سایر امکانات جانبی آموزشی مانند هدفون و... که به بالا رفتن کیفیت یادگیری من کمک کردند. ازلحاظ وضعیت ظاهری (لباس) هم‌تغییر کردم و توانستم کیفیت پوشش ظاهری خودم را بالاتر ببرم. توانستم خانه و ماشین هم بخرم. هم‌اکنون می‌توانم نسبت به گذشته هم بیشتر به سفر بروم و هم‌جاهای دورتر و گران‌قیمت‌تری را برای سفر انتخاب کنم»

سوال ۳ـ منافع عمومی تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان کدام است؟

در جدول (۴) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به منافع عمومی تحصیلات تکمیلی(ارشد و دکترا) آمده است.

جدول ۴- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۳

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
توسعه منافع شخصی	بهبود مسائل تربیتی فرزندان
	افزایش سطح آگاهی زندگی
	افزایش درآمد
	بهبود ارتباط سالم
	مدیریت بهتر شرایط
	افزایش صبر و ظرفیت
توسعه آگاهی و دانش	افزایش سطح آگاهی های عمومی
	توسعه افق دید در ارتباط به آگاهی از اوضاع خود

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

	توسعه افق دید در ارتباط به آگاهی از اوضاع جهان
	آشنایی بیشتر با حقوق فردی
	انتقال دانش
	افزایش جهان بینی
	افزایش تفکر
	افزایش دانش
	بهبود دید تخصصی
	افزایش بازده کاری
	ارتقاء منافع فردی
توسعه جهان بینی فردی	افزایش درک انسان ها از همدیگر
	افزایش عزت نفس
	افتخار به خود
	افزایش آرامش درون
	افزایش خوش بینی
	توجه بیشتر
	بهبود درک بهتر مشکلات
توسعه نگرش اجتماعی	افزایش سواد جامعه
	افزایش فرهنگ جامعه
	افزایش سطح تحلیل علمی جامعه
	افزایش سطح عقلانی تر جامعه
	افزایش اعتماد عمومی
	افزایش احترام
	توسعه دید اجتماعی بهتر
	بهبود روابط اجتماعی
	جایگاه اجتماعی بهتر
توسعه نگرش فرهنگی و ملی	ارتقاء منافع عمومی
	افزایش ارزش افزوده
	رشد اقتصادی جامعه
	دید بهتر در جامعه
	کمک به همنوع
	کمک به افزایش دانش دانشجو
	یافتن شغل مناسب
	افزایش آگاهی جامعه
	افزایش اعتماد عمومی در جامعه
	افزایش اعتماد تخصصی در جامعه
	افزایش مشارکت مدنی

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، منافع عمومی تحصیلات تکمیلی منجر به ایجاد۵ مضمون فراگیر و ۴۴ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۵) بیان کرده است که:

«ازلحاظ اجتماعی جایگاه و پایگاه اجتماعی‌ام بالاتر رفت. هم‌اکنون در میان مردم عزت‌نفس بیشتری دارم. بیشتر به خودم افتخار می‌کنم. هم‌اکنون می‌توانم در اجتماعات رسمی و غیررسمی مختلف حضورداشته باشم بدون اینکه در برابر اقشار مختلف حاضر در آن اجتماعات احساس کمبود با حقارت داشته باشم. با آرامش بیشتری می‌توانم در فضای

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

شهر قدم بزنم. ارتباطم با دیگران بهتر شده است و بهتر می‌توانم با آن‌ها ارتباط سالم برقرار کنم. همچنین با وظایف و حقوق شهروندی خود بیشتر آشنا شده‌ام و بهتر می‌توانم وظایف اجتماعی‌ام را به‌جا بیاورم و از حقوق خودم بهتر دفاع کنم. همچنین در برخورد با ناملایمات و رفتارهای احتمالی نامناسب از سوی دیگران بهتر می‌توانم شرایط را مدیریت کنم و در این راستا صبر و ظرفیتم بیشتر شده است و بهتر می‌توانم دیگران را به خاطر چنین رفتارهایی ببخشم و از آن‌ها گذشت کنم. جهان‌بینی‌ام گسترده‌تر شده است و با طیفی بیشتری از اقشار مختلف جامعه می‌توانم ارتباط برقرار کنم. در قضاوت کردن در مورد دیگران نسبت به گذشته خیلی احتیاط می‌کنم و در این زمینه بسیار تفکر و تأمل می‌کنم. نسبت به انسان‌های اطرافم خوش‌بین‌تر شده‌ام و بیشتر می‌توانم نیمه‌پر لیوان را ببینم».

سوال ۴ـ تاثیر تحصیلات تکمیلی بر شاخص‌های بهداشتی توسعه انسانی چگونه است؟

در جدول (۵) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های بهداشتی آمده است.

جدول ۵- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۴

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
توسعه سلامت روانی	بهبود زندگی سالم
	بهبود تغذیه و سلامتی
	بهبود وضعیت درمان
	افزایش امید به زندگی

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های بهداشت منجر به ایجاد ۱ مضمون فراگیر و ۴ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۵) بیان کرده است که:

« اطلاعات عمومی‌ام در زمینه بهداشت، تغذیه و سلامتی خیلی بیشتر شده است. نسبت به نیازهای جسمانی خودم اطلاعات زیادی به دست آورده‌ام. در انتخاب تغذیه سالم خیلی حساس شده‌ام؛ خیلی از خوراکی‌های غیرمفید مثل نوشابه، سوسیس، کالباس و... را یا کلاً کنار گذاشته‌ام یا استفاده از آن‌ها را به حداقل رسانده‌ام (آن‌هم در شرایط ناچاری). در زمینه پزشکی هم اطلاعات زیادی به دست آورده‌ام. مثلاً با بسیاری از تخصص‌ها و متخصصان آشنایی پیداکرده‌ام و در صورت نیاز راحت‌تر متخصص موردنظر برای مراجعه را پیدا می‌کنم. با فرایند درمان و چگونگی مراجعه به مراکز درمانی آشنایی زیادی کسب کرده‌ام. در این زمینه حتی به دیگران در پیدا کردن متخصص موردنظر و شهر مقصد کمک می‌کنم. برای ارتقای سطح سلامتی خودم و خانواده‌ام از امکانات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی زیاد استفاده می‌کنم. کسب اطلاعات در مورد مطالب فوق‌الذکر و کسب شناخت بیشتر نسبت به وجود خودم و نیز جهان پیرامون باعث شده است که امید به زندگی‌ام بالاتر برود.».

سوال ۵ـ تاثیر تحصیلات تکمیلی بر شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی چگونه است؟

در جدول (۶) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های اقتصادی آمده است.

جدول ۶- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۵

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
بهبود کیفیت زندگی فردی	افزایش قدرت خرید
	بهبود سطح زندگی
	بهبود استانداردهای زندگی
	بهبود نرخ مشارکت

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های اقتصادی منجر به ایجاد ۱ مضمون فراگیر و ۴ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۸) بیان کرده است که:

«در حالت کلی ازنظر قدرت اقتصادی مناسب نیست. چون با مقطع کارشناسی فرصت‌های شغلی بهتری داشتم. به دلیل صرف مدت‌زمان تحصیل تا مقطع دکترا از یک‌سو، بالا رفتن سن و پایین آمدن فرصت‌های شغلی و استخدام از سوی دیگر، فرصت‌های شغلی پردرآمد را از دست دادم و در حال حاضر کلیه شاخص‌های اقتصادی ازجمله قدرت خرید، سطح زندگی مناسب و دست‌یابی به استانداردهای زندگی من به‌مراتب افت کرده است».

سوال ۶ـ تاثیر تحصیلات تکمیلی بر شاخص‌های اجتماعی توسعه انسانی چگونه است؟

در جدول (۷) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مربوط به تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های اجتماعی آمده است.

جدول ۷- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۶

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
تعالی فردی	افزایش اعتماد
	افزایش آزادی فردی
	افزایش مشارکت در برنامه ریزی
تعالی جامعه	بهبود سرمایه اجتماعی
	افزایش آزادی اجتماع
	بهبود تبعیض جنسی
	بهبود پاسخگویی کارگزاران

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های اجتماعی منجر به ایجاد ۲ مضمون فراگیر و ۷ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۲۷) بیان کرده است که:

«خوب کار و داشتن تحصیلات تکمیلی و به‌عنوان یک فرد تحصیل‌کرده باعث به وجود آمدن یک نوع سرمایه اجتماعی در فرد می‌شود که دیدگاه جامعه را نسبت به فرد تغییر می‌دهد تا حدودی و اینکه باعث اعتماد بیشتر و در به جامعه چنین فردی اعتماد کنند منتها واقعیتش اینه که در جامعه مثل جامعه ایران پول و ثروت جایگاه خودش را با علم عوض کرده.عنوان مثال همین آلان نگاه کنیم شما مقاله علمی را بنویسید کلی زحمت براش می‌کشید بعد مجله میاد مقاله‌ی را پذیرش میکنه که طرف اومده ۱۷ تا ۱۸ میلیون تومان پول به یک رابط داده تا مقاله به چاپ برسه اینجاست که تو جامعه ما متأسفانه ارزش و اهمیت خودش را ازدست‌داده خوب حقیقت ماجرا اینه که سرمایه اجتماعی که از طریق علم به دست میاد خیلی راحت از طریق ثروت هم به دست میاد و اینکه شاید موردی را که تحصیلات تکمیلی میتونه برای فرد ایجاد کنه اینه که میتونه نسبت به حقوق خودش آشنایی پیدا کنه و به دنبال آن‌ها بروند افراد مختلف را پاسخگو کنه ولی گفتم تو جامعه ایران متأسفانه اینا از بین رفته و چیزهای دیده‌ای واقعاً جای چنین چیزی گرفتن و اهمیت خود را از دست دادند شما نگاه کنید دانشگاه آزاد هستیم ببینیم طرف میاد تو دانشگاه آزاد خیلی راحت با اعتمادبه‌نفس کامل و یا نه من پول دادم تو باید بشه حالا این به دانشگاه‌های دولتی سرایت میکنه ما قبلاً وقتی کسی برای ارشد یا دکتر امتحانی داد باید کلی سواد و علم دانش داشته باشه تا بتونه قبول بشود امروز نه پول داشته باشیم به‌جای دکتر ده تا دکترا با بهترین نمره‌ها را دریافت می‌کند که امروز در حقیقت تجاری‌سازی باید انجام بشه تا جایگاه خودشو حفظ کنه و ان پرستیژ ان سرمایه اجتماعی و آزادی اون درواقع اهمیت و فرد ایجاد کنه».

سوال **۷ـ تاثیر تحصیلات تکمیلی بر شاخص‌های فرهنگی ـ سیاسی توسعه انسانی چگونه است؟**

در جدول (۸) مضامین سازمان دهنده و فراگیر مصاحبه‌های مربوط به تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های فرهنگ سیاسی آمده است.

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

جدول ۸- مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شده از تحلیل مصاحبه‌های مربوط به سؤال ۷

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده
بهبود دیدگاه های فرهنگی	بهبود نگرش جنسیتی
	افزایش ارزش های فرا مادی
	بهبود نگرش دموکراسی
	افزایش استقلال فردی

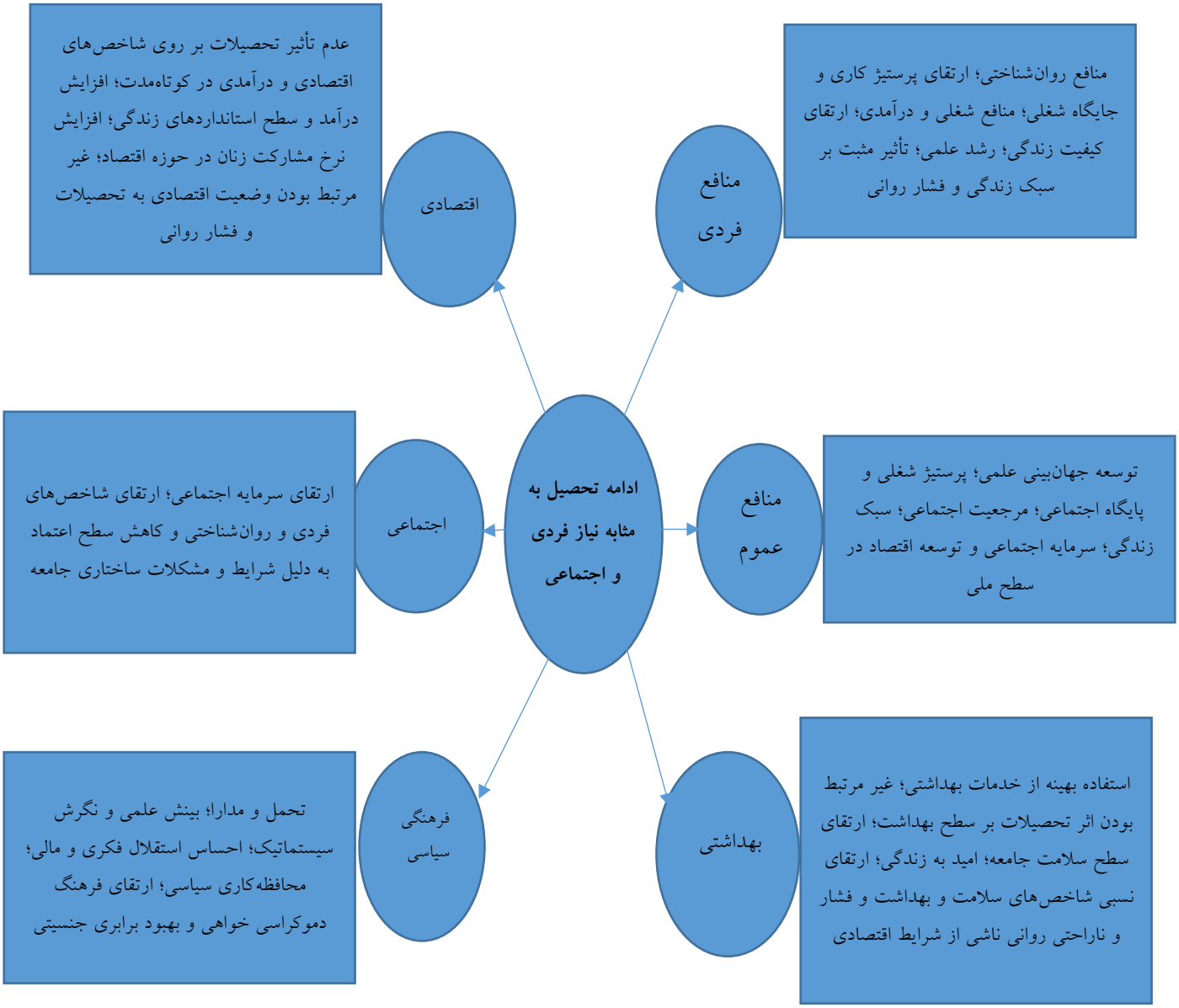

شکل ۱- الگوی نهائی مزیت‌های اقتصادی دوره‌های تحصیلات تکمیلی

بر اساس تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده، تأثیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) بر روی شاخص‌های فرهنگ سیاسی منجر به ایجاد ۱ مضمون فراگیر و ۴ مضمون سازمان دهنده گردید که نشان‌دهنده نظر مصاحبه‌شوندگان در مورد ادامه تحصیل است. به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۱) بیان کرده است که:

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

«با توجه به نقش اجتماعی تحصیلات در نگرش علمی و بینش هر انسانی، می‌توان گفت تا حدود زیادی شاخص‌های ذهنیت دموکراتیک و نگاه علمی به مسائل که خود حاوی شاخص‌های نگرش دموکراتیک است، افزایش‌یافته است- انعطاف‌پذیری، مدارا، شکیبایی، تحمل افکار مخالف، نسبی‌گرایی، برابری خواهی و عدالت‌خواهی افزایش‌یافته است- ارزش‌های علمی و ارزش‌های انسانی-اخلاقی بیشتر مدنظر قرار می‌گیرند».

در شکل ۱ الگوی نهائی مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی دوره‌های تحصیلات تکمیلی براساس مصاحبه با مشارکت کنندگان آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مزیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی دوره‌های آموزش تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تحصیلات تکمیلی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پدیده‌ای چندبعدی است و آثار آن را نمی‌توان صرفاً در قالب افزایش مدرک تحصیلی، درآمد یا فرصت‌های شغلی تبیین کرد. بر اساس تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی با توسعه فلسفه و بینش فردی، افزایش توان علمی و تخصصی، کسب منافع پژوهشی، بهبود برخی فرصت‌های شغلی و اقتصادی و توجه بیشتر به مسائل و نیازهای اجتماعی همراه بود. در عین حال، بخشی از دیدگاه‌های خبرگان بر مشروط بودن مطلوبیت ادامه تحصیل تأکید داشت؛ به این معنا که ارزش تحصیلات تکمیلی به عواملی مانند علاقه و هدف فردی، تناسب رشته تحصیلی با نیازهای بازار کار، وضعیت اقتصادی، هزینه فرصت تحصیل و امکان استفاده عملی از دانش و تخصص کسب‌شده بستگی دارد. این یافته با رویکرد سرمایه انسانی سازگار است که آموزش را نوعی سرمایه‌گذاری در دانش، مهارت و توانایی‌های فرد می‌داند، اما بازده آن را وابسته به کیفیت سرمایه‌گذاری و نحوه استفاده از سرمایه انسانی در ساختار اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کند (Goldin, 2016). همچنین، مطالعات مربوط به اقتصاد آموزش بر این نکته تأکید دارند که منافع آموزش زمانی به‌طور کامل تحقق می‌یابد که بین نظام آموزشی و نیازهای اقتصادی و شغلی جامعه پیوند مناسبی برقرار باشد (Mehrbani, 2016; Motevaseli & Ahanchian, 2016).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش آن بود که تحصیلات تکمیلی از منظر خبرگان واجد مجموعه گسترده‌ای از منافع فردی است. توسعه کیفیت زندگی خانوادگی، افزایش خودکارآمدی و خودآگاهی، تقویت اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس، بهبود موقعیت شغلی و مالی، ارتقای دانش شخصی، گسترش توان پژوهشی و دستیابی به درک علمی‌تر از مسائل از مهم‌ترین مضامین استخراج‌شده بودند. این نتیجه نشان می‌دهد که آثار تحصیلات تکمیلی به سرمایه اقتصادی محدود نیست، بلکه بخشی از بازده آموزش در قالب سرمایه انسانی، روان‌شناختی و اجتماعی ظاهر می‌شود. این یافته با نتایج مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند آموزش عالی می‌تواند مجموعه‌ای از منافع فردی فراتر از درآمد، از جمله افزایش توانایی‌های شناختی، تصمیم‌گیری بهتر، ارتقای کیفیت زندگی و توسعه قابلیت‌های فردی ایجاد کند (Ma et al., 2016). همچنین، مفهوم منافع غیر بازاری آموزش بر آن است که بخش مهمی از آثار آموزش در متغیرهایی ظاهر می‌شود که مستقیماً با دستمزد و اشتغال قابل اندازه‌گیری نیستند، اما بر رفاه و کیفیت زندگی افراد اثر دارند (Heckman et al., 2018). مرور پژوهش‌های مربوط به منافع گسترده‌تر آموزش عالی نیز نشان می‌دهد که توسعه فردی، مشارکت اجتماعی و بهزیستی از جمله پیامدهای مهمی هستند که باید در کنار بازده اقتصادی مورد توجه قرار گیرند (Brennan et al., 2013).

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان می‌تواند به توسعه چشم‌انداز شغلی و مالی افراد منجر شود. افزایش درآمد، دستیابی به موقعیت‌های شغلی بهتر، ارتقای جایگاه حرفه‌ای و افزایش فرصت موفقیت از جمله مضامین مرتبط با این حوزه بودند. این یافته با نظریه سرمایه انسانی سازگار است؛ زیرا آموزش پیشرفته از طریق افزایش دانش تخصصی، توانایی حل مسئله و مهارت‌های حرفه‌ای می‌تواند ارزش فرد را در بازار کار افزایش دهد (Goldin, 2016). مطالعات بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که آموزش و سرمایه انسانی می‌توانند از طریق افزایش بهره‌وری و ظرفیت فعالیت اقتصادی با رشد اقتصادی مرتبط باشند (Islam et al., 2016; Mariana, 2015). در سطح آموزش عالی نیز شواهدی درباره رابطه میان گسترش آموزش عالی و توسعه اقتصادی گزارش شده است (Hamdan et al., 2020). در ایران نیز پژوهش‌های پیشین بر رابطه آموزش و پژوهش با توسعه اقتصادی و همچنین نقش توسعه آموزشی در فرایند توسعه کشور تأکید کرده‌اند (Asadpour, 2018; Barbari et al., 2017). افزون بر

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

این، نتایج مربوط به آموزش عالی زنان نشان می‌دهد که توسعه آموزش عالی می‌تواند با افزایش ظرفیت مشارکت اقتصادی زنان و در نتیجه رشد اقتصادی همراه باشد (Al-e Omran & Al-e Omran, 2019).

با این حال، یافته مهم دیگر پژوهش آن بود که آثار اقتصادی تحصیلات تکمیلی از دیدگاه همه مشارکت‌کنندگان یکسان و الزاماً مثبت نبود. برخی خبرگان به هزینه‌های تحصیل، طولانی شدن دوره ورود به بازار کار، افزایش سن هنگام جست‌وجوی شغل، محدودیت فرصت‌های استخدام و نامتناسب بودن برخی مدارک تحصیلات تکمیلی با تقاضای بازار کار اشاره کردند. بنابراین، تحصیلات تکمیلی ممکن است در برخی شرایط به افزایش قدرت خرید و سطح زندگی منجر شود، اما در برخی شرایط نیز بازده اقتصادی آن محدود یا با تأخیر ظاهر شود. این یافته با مطالعات مربوط به قابلیت اشتغال دانش‌آموختگان همسو است که تأکید دارند داشتن مدرک دانشگاهی به‌تنهایی تضمین‌کننده اشتغال مطلوب نیست و اثربخشی آموزش عالی به میزان برخورداری دانش‌آموختگان از قابلیت‌های مورد نیاز بازار کار و انطباق میان مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی وابسته است (Entezari, 2016). از منظر اقتصاد آموزش نیز بازده تحصیل به هزینه فرصت، شرایط بازار کار و ساختار دستمزدها وابسته است و نمی‌توان آن را برای همه افراد و رشته‌ها یکسان در نظر گرفت (Mehrbani, 2016). این نتیجه ضرورت بازنگری در گسترش صرفاً کمی تحصیلات تکمیلی و توجه بیشتر به کیفیت، اثربخشی و تناسب برنامه‌های آموزشی با نیازهای واقعی جامعه را برجسته می‌کند؛ موضوعی که پیامدهای اجتماعی توسعه کمی آموزش عالی نیز بر آن تأکید داشته‌اند (Fereidouni, 2017).

در بعد عمومی، یافته‌ها نشان داد که تحصیلات تکمیلی می‌تواند علاوه بر فرد، برای جامعه نیز منافع قابل توجهی ایجاد کند. افزایش سطح آگاهی عمومی، توسعه جهان‌بینی علمی، ارتقای تفکر، انتقال دانش، افزایش سطح تحلیل علمی جامعه، بهبود روابط اجتماعی، تقویت مشارکت مدنی، افزایش اعتماد تخصصی و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی از مهم‌ترین مضامین مرتبط با منافع عمومی بودند. این یافته نشان می‌دهد که بخشی از بازده تحصیلات تکمیلی ماهیتی اجتماعی دارد و از طریق سرریز دانش و مهارت از فرد تحصیل‌کرده به محیط پیرامون منتقل می‌شود. این نتیجه با ادبیات مربوط به منافع اجتماعی آموزش عالی همسو است که آموزش را دارای آثار فراتر از منافع خصوصی دانش‌آموختگان می‌داند (Brennan et al., 2013; Ma et al., 2016). همچنین، منافع غیر بازاری آموزش می‌تواند از طریق افزایش رفتارهای اجتماعی مطلوب، مشارکت و رفاه اجتماعی بروز کند (Heckman et al., 2018). در سطح سیاست‌گذاری نیز این یافته اهمیت هماهنگی میان نظام آموزش عالی و سیاست‌های عمومی را نشان می‌دهد؛ زیرا تبدیل دانش و تخصص دانشگاهی به منافع عمومی نیازمند سازوکارهای نهادی مناسب، سیاست‌گذاری منسجم و فرصت مشارکت متخصصان در حل مسائل جامعه است (Niazazari et al., 2011).

نتایج مرتبط با شاخص‌های سلامت نشان داد که تحصیلات تکمیلی می‌تواند از طریق افزایش آگاهی نسبت به تغذیه و سلامت، استفاده آگاهانه‌تر از خدمات درمانی، شناخت بهتر فرایندهای مراقبت از سلامت و افزایش امید به زندگی ادراک‌شده، بر رفتارها و نگرش‌های مرتبط با سلامت اثرگذار باشد. این یافته با مطالعاتی همسو است که سطح تحصیلات را با تفاوت در رفتارهای سلامت مرتبط دانسته‌اند. افراد برخوردار از آموزش بیشتر معمولاً توانایی بیشتری در دسترسی، تفسیر و استفاده از اطلاعات سلامت دارند و می‌توانند تصمیم‌های آگاهانه‌تری درباره رفتارهای مرتبط با سلامت اتخاذ کنند (Cutler & Lleras-Muney, 2010). همچنین، مطالعات مرتبط با آموزش و سلامت نشان داده‌اند که تحصیلات می‌تواند از طریق سازوکارهای شناختی، اقتصادی و رفتاری با سلامت و کیفیت زندگی مرتبط باشد (Miyamoto & Chevalier, 2010). یافته‌های حاضر همچنین با ادبیات مربوط به منافع غیر بازاری آموزش هماهنگ است که سلامت و رفاه را از جمله پیامدهای مهم آموزش قلمداد می‌کند (Heckman et al., 2018). بااین‌حال، در یافته‌های پژوهش به فشار روانی ناشی از شرایط اقتصادی و فرایند تحصیل نیز اشاره شد که نشان می‌دهد رابطه تحصیلات تکمیلی و سلامت کاملاً یک‌سویه نیست و شرایط محیطی و اقتصادی می‌تواند بر کیفیت این رابطه اثر بگذارد.

در بعد اجتماعی، تحصیلات تکمیلی از دیدگاه خبرگان با افزایش اعتماد، سرمایه اجتماعی، آزادی فردی، مشارکت در برنامه‌ریزی، بهبود نگرش نسبت به تبعیض جنسیتی و افزایش مطالبه‌گری و پاسخ‌گویی همراه بود. این یافته نشان می‌دهد که آموزش عالی می‌تواند علاوه بر افزایش دانش تخصصی، شیوه تعامل افراد با جامعه و میزان آگاهی آنان از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. نتایج مرورهای پیشین نیز نشان داده است که بخشی از منافع گسترده آموزش عالی در افزایش مشارکت اجتماعی و مدنی، توسعه شبکه‌های اجتماعی و تقویت برخی ابعاد سرمایه اجتماعی ظاهر می‌شود (Brennan et al., 2013). یافته حاضر همچنین با نتایج مربوط به پیامدهای اجتماعی

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

گسترش آموزش عالی در ایران همسو است که آموزش دانشگاهی را دارای پیامدهایی فراتر از بازار کار دانسته است (Fereidouni, 2017). در عین حال، برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که مشکلات ساختاری جامعه می‌تواند موجب کاهش اعتماد یا تضعیف اعتبار اجتماعی علم شود. این نکته اهمیت زمینه نهادی را نشان می‌دهد؛ به این معنا که سرمایه علمی زمانی به سرمایه اجتماعی پایدار تبدیل می‌شود که ساختارهای اجتماعی و حرفه‌ای نیز برای دانش و تخصص ارزش مؤثری قائل باشند.

در حوزه فرهنگ سیاسی، یافته‌ها حاکی از آن بود که تحصیلات تکمیلی می‌تواند با بهبود نگرش جنسیتی، تقویت ارزش‌های فرامادی، افزایش استقلال فکری و توسعه نگرش‌های دموکراتیک همراه باشد. مشارکت‌کنندگان به ویژگی‌هایی مانند مدارا، پذیرش دیدگاه‌های متفاوت، برابری‌خواهی، عدالت‌خواهی و نگرش علمی‌تر به مسائل اجتماعی اشاره کردند. این نتیجه با ادبیات مربوط به منافع گسترده و غیر بازاری آموزش هماهنگ است که آموزش عالی را نه‌تنها ابزاری برای کسب مزایای اقتصادی، بلکه زمینه‌ای برای توسعه نگرش‌ها، مشارکت اجتماعی و ظرفیت تعامل مدنی می‌داند (Brennan et al., 2013; Heckman et al., 2018). همچنین، گزارش‌های بین‌المللی درباره آموزش بر این نکته تأکید دارند که پیامدهای آموزش تنها با شاخص‌های اشتغال و درآمد سنجیده نمی‌شوند و مشارکت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و کیفیت زندگی نیز در ارزیابی عملکرد نظام‌های آموزشی اهمیت دارند (Oecd, 2022).

یکی دیگر از نکات قابل توجه، اهمیت کیفیت تجربه آموزشی و نحوه طراحی و ارائه آموزش عالی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که منافع تحصیلات تکمیلی زمانی برجسته‌تر می‌شوند که ادامه تحصیل بر اساس نیاز، علاقه، برنامه‌ریزی و تخصص صورت گیرد. این نتیجه با دیدگاه‌هایی همسو است که بر طراحی آموزش متناسب با تفاوت‌های فردی، استعدادها و نیازهای یادگیرندگان تأکید دارند (Toshpulatov, 2025). در شرایط جدید، کیفیت تحصیلات تکمیلی همچنین با نحوه بهره‌گیری از فناوری، انعطاف آموزشی و طراحی محیط‌های ترکیبی یادگیری ارتباط دارد. فناوری آموزشی می‌تواند زمینه دسترسی بیشتر، یادگیری انعطاف‌پذیر و بهبود تجربه آموزشی را فراهم کند، اما اثربخشی آن نیازمند توجه هم‌زمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و پایداری است (Versteijlen & Groesbeek, 2024). علاوه بر این، توسعه منابع انسانی در آموزش عالی و استفاده از فناوری‌های نوظهور می‌تواند توان دانشگاه‌ها را برای پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه محلی و ارتقای کیفیت فرایندهای علمی و مدیریتی افزایش دهد (Ghanizadeh Gerayli et al., 2025). مدیریت تغییر پایدار در آموزش عالی نیز اهمیت انعطاف سازمانی و بازطراحی فرایندهای آموزشی برای پاسخ به محیط متحول را برجسته می‌کند (Depoo & Hyršlová, 2025).

نتایج پژوهش از زاویه دیگری نیز نشان می‌دهد که مزایای تحصیلات تکمیلی ممکن است در طول زمان استمرار پیدا کند و به رابطه فرد با محیط دانشگاهی و حرفه‌ای محدود به دوران تحصیل نباشد. افزایش اعتبار حرفه‌ای، شکل‌گیری شبکه‌های علمی و اجتماعی و توسعه احساس تعلق به جامعه دانشگاهی از جمله پیامدهایی هستند که می‌توانند پس از فارغ‌التحصیلی نیز ادامه داشته باشند. پژوهش‌های جدید در زمینه ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه نشان می‌دهد که رضایت از تجربه آموزش عالی و همانندسازی سازمانی می‌تواند به تعهد رابطه‌ای بیشتر دانش‌آموختگان با مؤسسه دانشگاهی منجر شود (Harti, 2025). بنابراین، بخشی از منافع تحصیلات تکمیلی ممکن است از طریق ارتباطات حرفه‌ای، همکاری‌های علمی، شبکه‌های دانش‌آموختگان و مشارکت‌های اجتماعی در دوره‌های بعدی زندگی ظاهر شود.

تحولات دیجیتال نیز می‌تواند نحوه تحقق این منافع را تغییر دهد. دانشگاه‌های امروزی بیش از گذشته از داده‌ها، سامانه‌های دیجیتال و فناوری‌های هوشمند برای آموزش، مدیریت و تعامل با دانشجویان استفاده می‌کنند. در چنین بستری، کیفیت و عدالت در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، حقوق دانشجویان و حکمرانی مناسب داده‌ها به بخشی از الزامات تحقق منافع آموزش عالی تبدیل شده است (Gran, 2026). بنابراین، منافع اقتصادی و غیراقتصادی تحصیلات تکمیلی در آینده نه فقط به محتوای برنامه‌های درسی، بلکه به کیفیت زیرساخت‌های دیجیتال، عدالت آموزشی، امنیت و حقوق دانشجویان و ظرفیت دانشگاه‌ها برای استفاده مسئولانه از فناوری نیز وابسته خواهد بود. این امر نشان می‌دهد که مفهوم مزیت تحصیلات تکمیلی باید متناسب با تحول محیط دانشگاهی بازتعریف شود.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحصیلات تکمیلی دارای مجموعه‌ای از پیامدهای اقتصادی، علمی، روان‌شناختی، شغلی، خانوادگی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی ـ سیاسی است و ارزیابی آن تنها بر اساس درآمد یا وضعیت اشتغال، تصویری ناقص از ارزش این سطح از آموزش ارائه می‌دهد. این برداشت با رویکردهای جدید در ارزیابی آموزش عالی نیز همسو است که بر سنجش طیف گسترده‌ای از پیامدهای فردی و اجتماعی تأکید دارند (Ma et al., 2016; Oecd, 2022). بااین‌حال، یافته‌های

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

پژوهش هم‌زمان نشان داد که این منافع خودکار و تضمین‌شده نیستند. شرایط بازار کار، کیفیت برنامه‌های آموزشی، سیاست‌های آموزش عالی، وضعیت اقتصادی، تناسب رشته با نیازهای جامعه و امکان استفاده از ظرفیت علمی دانش‌آموختگان می‌توانند شدت و حتی جهت برخی از پیامدها را تغییر دهند. ازاین‌رو، توسعه تحصیلات تکمیلی زمانی می‌تواند بیشترین ارزش فردی و اجتماعی را ایجاد کند که به جای تأکید صرف بر گسترش کمی، بر کیفیت، تناسب، قابلیت اشتغال، توسعه فردی، مشارکت اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی جامعه متمرکز باشد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست، مطالعه با رویکرد کیفی و بر مبنای دیدگاه ۲۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان کردستان انجام شد؛ بنابراین، یافته‌ها بیانگر ادراک و تجربه این گروه از خبرگان است و تعمیم مستقیم آنها به تمامی اعضای هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی یا سایر استان‌های کشور باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، داده‌ها بر اساس مصاحبه و خودگزارشی مشارکت‌کنندگان گردآوری شدند و ممکن است تحت تأثیر تجربه‌های فردی، شرایط شغلی، رشته تحصیلی و برداشت شخصی آنان از مزایا و پیامدهای تحصیلات تکمیلی قرار گرفته باشند. سوم، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی تغییر ادراک افراد درباره منافع تحصیلات تکمیلی در طول زمان را فراهم نکرد. همچنین، در این مطالعه منافع و پیامدها به‌صورت کیفی شناسایی شدند و اندازه اثر یا سهم نسبی هر یک از ابعاد اقتصادی و غیراقتصادی مورد سنجش کمی قرار نگرفت. تفاوت میان رشته‌های تحصیلی، نوع دانشگاه، جنسیت، وضعیت استخدامی و شرایط اقتصادی افراد نیز به‌صورت مقایسه‌ای بررسی نشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده الگوی استخراج‌شده در این مطالعه با استفاده از روش‌های کمی و در نمونه‌های بزرگ‌تر از دانشجویان، دانش‌آموختگان و اعضای هیئت علمی اعتبارسنجی شود و وزن نسبی ابعاد مختلف منافع اقتصادی و غیراقتصادی مشخص گردد. انجام مطالعات مقایسه‌ای میان دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، پیام نور و سایر مؤسسات آموزش عالی، میان رشته‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم پزشکی و همچنین میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور می‌تواند تفاوت‌های زمینه‌ای را آشکار سازد. استفاده از طرح‌های طولی برای بررسی وضعیت افراد پیش از ورود به تحصیلات تکمیلی، هنگام تحصیل و چند سال پس از فارغ‌التحصیلی نیز می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری درباره تغییرات واقعی درآمد، اشتغال، سلامت، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و نگرش‌های فرهنگی فراهم کند. همچنین پیشنهاد می‌شود نقش متغیرهایی مانند رشته تحصیلی، کیفیت دانشگاه، مهارت‌های حرفه‌ای، جنسیت، سن، وضعیت اقتصادی، نوع اشتغال و میزان انطباق شغل با رشته تحصیلی به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده بررسی شود. مطالعات آتی همچنین می‌توانند هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحصیلات تکمیلی را در کنار منافع آن ارزیابی کنند تا تصویر دقیق‌تری از بازده خصوصی و اجتماعی این دوره‌ها به دست آید.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزش عالی توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی را بیش از پیش بر اساس نیازهای واقعی بازار کار، ظرفیت اشتغال و اولویت‌های توسعه ملی و منطقه‌ای سامان‌دهی کنند. دانشگاه‌ها می‌توانند با بازنگری مستمر برنامه‌های درسی، تقویت آموزش مهارت‌های پژوهشی، حرفه‌ای، کارآفرینی، ارتباطی و دیجیتال و توسعه ارتباط ساختاریافته با صنعت، سازمان‌های دولتی و نهادهای اجتماعی، امکان استفاده مؤثرتر از دانش و تخصص فارغ‌التحصیلان را فراهم آورند. ایجاد خدمات مشاوره شغلی، مراکز توسعه حرفه‌ای و شبکه‌های فعال دانش‌آموختگان می‌تواند به تبدیل سرمایه علمی به فرصت‌های شغلی و اجتماعی کمک کند. همچنین، لازم است در کنار پیامدهای اقتصادی، منافع غیراقتصادی تحصیلات تکمیلی مانند سلامت، خودکارآمدی، سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری مدنی و نگرش‌های فرهنگی در طراحی و ارزیابی برنامه‌های دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد. دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند با حمایت از فعالیت‌های علمی و اجتماعی دانشجویان، ایجاد فرصت برای گفت‌وگو و تعامل بین‌رشته‌ای، تقویت فرهنگ برابری و احترام متقابل و فراهم‌کردن محیط آموزشی سالم و حمایتگر، زمینه تحقق گسترده‌تر منافع فردی و عمومی تحصیلات تکمیلی را فراهم کنند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

Higher education is widely recognized as a major mechanism for developing human capital, enhancing scientific and professional capabilities, and supporting economic and social development. Within higher education systems, postgraduate education has a distinctive position because it is expected not only to increase specialized knowledge and research capacity but also to contribute to employment, productivity, innovation, social participation, and individual development. From a human-capital perspective, education represents an investment through which individuals acquire knowledge, skills, and capabilities that may increase their productive capacity and generate benefits for both individuals and society (Goldin, 2016). Accordingly, the value of postgraduate education cannot be adequately assessed only through academic credentials; rather, its economic, professional, psychological, social, and developmental consequences should also be considered.

Previous studies have established an important relationship between education, human-capital formation, and economic development. Higher levels of education can support economic growth by improving labor productivity, strengthening individuals' capacity to use knowledge and technology, and increasing the quality of human resources (Islam et al., 2016; Mariana, 2015). Evidence has also demonstrated a relationship between higher education and economic development, although the magnitude and direction of this relationship may depend on institutional and socioeconomic conditions (Hamdan et al., 2020). In Iran, the relationships among education, research, and economic development have similarly received considerable attention, with studies emphasizing the role of educational development in broader national development (Asadpour, 2018; Barbari et al., 2017). Women's participation in higher education has likewise been associated with economic growth through the expansion of educated human resources and participation in economic activities (Al-e Omran & Al-e Omran, 2019).

Nevertheless, the benefits of postgraduate education extend beyond employment and income. The broader benefits of higher education include individual well-being, enhanced knowledge and decision-making capabilities, civic participation, social engagement, and improvements in various aspects of quality of life (Brennan et al., 2013; Ma et al., 2016). Research on the

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

nonmarket benefits of education has also demonstrated that educational attainment can generate substantial outcomes that cannot be directly expressed through wages or financial returns (Heckman et al., 2018). Health constitutes one such domain. Education may influence health behaviors by increasing individuals' ability to obtain, interpret, and apply health-related information and make more informed decisions regarding nutrition, treatment, and preventive behaviors (Cutler & Lleras-Muney, 2010; Miyamoto & Chevalier, 2010).

The economic return of postgraduate education, however, should not be assumed to be uniform. The economics of education emphasizes that educational benefits are influenced by direct costs, opportunity costs, labor-market conditions, occupational opportunities, and the correspondence between educational qualifications and economic demand (Mehrbani, 2016; Motevaseli & Ahanchian, 2016). Graduate employability similarly depends not merely on obtaining a higher degree but on developing competencies relevant to actual occupational requirements (Entezari, 2016). Consequently, the quantitative expansion of higher education without sufficient attention to quality, labor-market absorption, and social requirements may produce complex or even contradictory outcomes (Fereidouni, 2017). Educational policymaking therefore requires an integrated perspective in which the expansion of higher education is coordinated with economic and social priorities (Niazazari et al., 2011).

Contemporary changes in higher education have made such an integrated assessment even more important. International educational indicators increasingly emphasize educational outcomes, equity, participation, resources, and transitions between education and employment (Oecd, 2022). At the same time, digitalization, blended learning, emerging technologies, and institutional transformation are changing how higher education is designed and experienced (Versteijlen & Groesbeek, 2024). Emerging technologies are also affecting human-resource development and the capacity of higher education institutions to contribute to local development (Ghanizadeh Gerayli et al., 2025), while sustainable change management has become increasingly important for maintaining the responsiveness of universities to evolving economic and social environments (Depoo & Hyršlová, 2025). New approaches also emphasize differentiated education in accordance with students' talents and needs (Toshpulatov, 2025), the importance of students' and graduates' institutional relationships (Harti, 2025), and issues of student rights, inclusion, and data governance in increasingly digital universities (Gran, 2026). Against this multidimensional background, a qualitative understanding of how higher education experts perceive the economic and non-economic benefits of postgraduate study can provide a more comprehensive basis for evaluating its individual and societal value. Therefore, the present study aimed to identify the economic and non-economic benefits of postgraduate education from the perspective of higher education experts.

Methods and Materials

This study was developmental in terms of purpose and qualitative in terms of the nature of the data and research approach. The research field consisted of faculty members working at public, Islamic Azad, and Payame Noor universities in Kurdistan Province. Participants were selected through purposive sampling and recruitment continued until data saturation was achieved. The final qualitative sample consisted of 28 faculty members with between 9 and 35 years of experience in higher education.

Data were collected through semi-structured interviews. The interview protocol addressed several major areas, including participants' views regarding continuation of education at the master's and doctoral levels, the personal and individual benefits of postgraduate education, its public and societal benefits, and its perceived effects on health, economic, social, and cultural-political indicators. Questions concerning health addressed healthy living, nutrition, treatment, and life expectancy. Economic questions concerned purchasing power, living standards, access to appropriate standards of living, and labor-force participation.

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Social dimensions included trust, social capital, individual and social freedom, gender discrimination, accountability, and participation in planning. Cultural-political questions focused on independence, gender-equality attitudes, post-material values, and democratic orientations.

The interview data were analyzed using thematic analysis. The analytical process involved systematic examination of the interview material, identification and coding of meaningful units, organization of related codes into organizing themes, and integration of conceptually related organizing themes into overarching themes. The resulting thematic structure was then used to develop the final model of the economic and non-economic benefits of postgraduate education.

Findings

The thematic analysis demonstrated that postgraduate education was perceived as a multidimensional phenomenon involving both potential benefits and conditional outcomes. Regarding experts' general attitudes toward continuing postgraduate education, four overarching themes and 27 organizing themes were identified. These findings indicated that postgraduate study was associated with the development of personal philosophy and individual perspectives, specialization of knowledge, research-related benefits, scientific development, occupational and economic expectations, and greater attention to social needs. Participants nevertheless emphasized that continuation of education should be based on individual interest, clear goals, appropriate planning, occupational relevance, and consideration of its economic and social consequences.

Analysis of the personal and individual benefits of postgraduate education generated four overarching themes and 26 organizing themes. The themes reflected improvement in family quality of life, development of self-efficacy and self-awareness, enhancement of occupational and financial prospects, and development of personal knowledge. Reported outcomes included greater self-confidence and self-esteem, psychological satisfaction, occupational advancement, improved income opportunities, broader career prospects, increased specialization, stronger research capabilities, improved scientific understanding, and enhanced ability to recognize and analyze problems.

The analysis of public benefits produced five overarching themes and 44 organizing themes. Participants associated postgraduate education with the development and transmission of knowledge, improvement of individual and collective awareness, expansion of worldview, better understanding of social issues, improvement in interpersonal and social relationships, enhancement of societal scientific literacy, greater social and professional trust, civic participation, and economic value creation. Postgraduate education was therefore perceived not only as a source of private benefit but also as a mechanism through which knowledge, professional capacity, and social awareness could diffuse into the wider community.

Regarding health-related indicators, one overarching theme and four organizing themes were identified. Postgraduate education was associated with healthier living, improved knowledge of nutrition and health, better understanding and use of treatment services, and greater perceived life expectancy. Participants reported that greater access to knowledge and stronger information-seeking capabilities could contribute to more informed health-related decisions.

For economic indicators, one overarching theme and four organizing themes were extracted, including purchasing power, living standards, standards of living, and economic participation. Although several participants described higher income, better occupational opportunities, and improved living conditions, others reported that lengthy periods of study, increasing age, restricted employment opportunities, and unfavorable economic circumstances could reduce the economic return of postgraduate education. Thus, economic effects were perceived as conditional rather than uniformly positive.

Analysis of social indicators resulted in two overarching themes and seven organizing themes. These findings concerned individual and societal advancement through increased trust, individual freedom, social capital, social freedom, participation

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

in planning, improved attitudes toward gender discrimination, and stronger expectations regarding institutional accountability. Finally, one overarching theme and four organizing themes were identified for cultural-political outcomes. These included improved gender attitudes, stronger post-material values, more favorable democratic orientations, and greater individual independence. Overall, the final model demonstrated that postgraduate education was associated with interconnected individual, public, health, economic, social, and cultural-political consequences.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that the perceived value of postgraduate education extends considerably beyond the acquisition of a higher academic degree. Participants conceptualized postgraduate study as an experience capable of influencing scientific knowledge, professional capacity, personal development, psychological functioning, family life, economic conditions, social relationships, health awareness, and cultural-political orientations. This multidimensional pattern suggests that evaluating postgraduate education solely in terms of employment rates or income would underestimate a substantial proportion of its potential outcomes.

At the individual level, postgraduate education appeared to strengthen specialized knowledge, research competence, self-efficacy, self-confidence, and professional identity. These benefits can provide individuals with greater capacity to understand complex problems, make informed decisions, and pursue more specialized occupational pathways. At the same time, improvements in family quality of life and personal knowledge indicate that educational benefits may extend into domains that are not conventionally considered academic outcomes.

The economic findings were more conditional. Although postgraduate education could contribute to higher income, improved purchasing power, occupational advancement, and better living standards, these outcomes depended strongly on contextual conditions. Where employment opportunities were limited or qualifications were poorly matched with occupational demand, the time and financial costs of postgraduate education could reduce its immediate economic advantages. Therefore, expanding postgraduate enrollment without simultaneous attention to employment structures and actual societal needs may not necessarily generate the expected financial returns.

The results also reveal substantial public and social benefits. Knowledge transmission, improved societal awareness, civic participation, social capital, and greater ability to engage with social problems illustrate mechanisms through which the effects of postgraduate education can extend from graduates to their communities. Similarly, the health-related findings suggest that advanced education may strengthen individuals' ability to obtain and use information concerning nutrition, healthcare, treatment, and healthier lifestyles. Cultural-political findings further indicate that postgraduate education may contribute to greater intellectual independence, tolerance, egalitarian attitudes, and democratic orientations.

At the same time, the interviews showed that none of these outcomes should be regarded as automatic consequences of obtaining an advanced degree. Economic structures, institutional quality, labor-market opportunities, the relevance of academic specialization, and the broader social environment can strengthen or weaken the benefits of postgraduate education. The results therefore support a shift from a predominantly quantitative view of postgraduate expansion toward a quality-oriented perspective emphasizing relevance, effective use of knowledge, employability, social responsibility, and alignment with developmental priorities.

In conclusion, postgraduate education generates a complex combination of economic and non-economic benefits whose significance extends from individual scientific and professional development to family well-being, health awareness, social capital, civic engagement, and cultural-political development. However, the realization of these benefits depends on the

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

interaction between individual motivations and wider educational, occupational, economic, and institutional conditions. Policies concerning postgraduate education should therefore evaluate success not merely through enrollment and graduation statistics, but through the extent to which advanced education develops meaningful capabilities, improves quality of life, responds to labor-market and societal needs, and enables graduates to transform specialized knowledge into sustainable individual and public value.

References

Al-e Omran, R., & Al-e Omran, S. A. (2019). The Impact of Women's Higher Education on Iran's Economic Growth. *Women and Society (Sociology of Women)*, *10*(3), 17-30.

Asadpour, A. A. (2018). Examining the Relationships among Education, Research, and Economic Development. *Research in Educational Systems*, *12*(Special Issue), 885-899.

Barbari, M. J., Raghfar, H., Kalantari, A., & Ghaffari, G. (2017). A Comparative Study of the Impact of Educational Development on the Development of Iran and Selected Countries. *Research in Educational Systems*, *11*(38), 81-136.

Brennan, J., Durazzi, N., & Sene, T. (2013). *Things We Know and Don't Know about the Wider Benefits of Higher Education: A Review of the Recent Literature*.

Crush, J. (1995). *Power of Development*. Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203975985

Cutler, D. M., & Lleras-Muney, A. (2010). Understanding Differences in Health Behaviors by Education. *Journal of Health Economics*, *29*(1), 1-28. https://doi.org/10.1016/j.jhealeco.2009.10.003

Dean, M. (2010). *Governmentality: Power and Rule in Modern Society* (2nd ed.). SAGE. https://us.sagepub.com/en-us/nam/governmentality/book232846

Depoo, L., & Hyršlová, J. (2025). Sustainable Change Management in Business Higher Education in Central Europe. *DANUBE: Law, Economics and Social Issues Review*, *16*(2), 176. https://doi.org/10.2478/danb-2025-0009

Entezari, Y. (2016). Higher Education and Graduate Employability Capabilities. *Iranian Higher Education*, *8*(3), 1-25.

Escobar, A. (1995). *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*. Princeton University Press. https://press.princeton.edu/books/paperback/9780691150451/encountering-development

Fereidouni, S. (2017). Quantitative Expansion of Higher Education with Emphasis on Social Consequences: A Grounded Theory. *Research and Planning in Higher Education*, *23*(4), 69-96.

Ferguson, J. (1994). *The Anti-Politics Machine: "Development," Depoliticization, and Bureaucratic Power in Lesotho*. University of Minnesota Press. https://www.upress.umn.edu/book-division/books/the-anti-politics-machine

Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. Pantheon Books. https://monoskop.org/images/9/90/Foucault_Michel_Archaeology_of_Knowledge.pdf

Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Pantheon Books. https://monoskop.org/images/4/43/Foucault_Michel_Discipline_and_Punish_The_Birth_of_the_Prison_1977_1995.pdf

Foucault, M. (1980). *Power-Knowledge: Selected Interviews and Other Writings, 1972–1977*. Pantheon Books. https://monoskop.org/images/5/5d/Foucault_Michel_Power_Knowledge_Selected_Interviews_and_Other_Writings_1972-1977.pdf

Foucault, M. (1991). Governmentality. In (pp. 87-104). University of Chicago Press. https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/F/bo3682033.html

Ghanizadeh Gerayli, M., Sadeghi, Z., & Ramezankhani, S. (2025). Presenting a Model for Developing Human Resource Management Processes in Higher Education for Local Development with Emphasis on Emerging Technologies. *Economic Geography Research*, e732982. https://doi.org/10.30470/jegr.2025.2073091.1332

Goldin, C. (2016). Human Capital. In (pp. 55-86). Springer Berlin Heidelberg. https://doi.org/10.1007/978-3-642-40406-1_23

Gran, O. (2026). Data Governance, Student Rights, and Inclusive Digital Universities: A Comparative Legal-Institutional Analysis of Higher Education Reform in France and South Korea. *Allogio: Journal of Law, Education and Economic Development*, *1*(1).

Hamdan, A., Sarea, A., Khamis, R., & Anasweh, M. (2020). A Causality Analysis of the Link between Higher Education and Economic Development: Empirical Evidence. *Heliyon*, *6*(6), e04046. https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e04046

Harti, Y. (2025). From satisfaction to alumni relational commitment: The mediating role of organizational identification in Moroccan public higher education. *International Journal of Accounting Finance Auditing Management and Economics*, *6*(9).

Heckman, J. J., Humphries, J. E., & Veramendi, G. (2018). The Nonmarket Benefits of Education and Ability. *Journal of Human Capital*, *12*(2), 282-304. https://doi.org/10.1086/697535

Islam, R., Abdul Ghani, A. B., Kusuma, B., & Theseira, B. B. (2016). Education and Human Capital Effect on Malaysian Economic Growth. *International Journal of Economics and Financial Issues*, *6*(4), 1722-1728.

Lemke, T. (2001). "The Birth of Bio-Politics": Michel Foucault's Lecture at the Collège de France on Neo-Liberal Governmentality. *Economy and Society*, *30*(2), 190-207. https://doi.org/10.1080/03085140120042271

Li, T. M. (2007). *The Will to Improve: Governmentality, Development, and the Practice of Politics*. Duke University Press. https://doi.org/10.1215/9780822389781

مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Ma, J., Pender, M., & Welch, M. (2016). *Education Pays 2016: The Benefits of Higher Education for Individuals and Society*.
Mariana, D. R. (2015). Education as a Determinant of the Economic Growth: The Case of Romania. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *197*, 404-412. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.07.156
Mehrbani, V. (2016). *Economic Analysis of Education*. SAMT.
Mitchell, T. (2002). *Rule of Experts: Egypt, Techno-Politics, Modernity*. University of California Press. https://www.ucpress.edu/book/9780520232624/rule-of-experts
Miyamoto, K., & Chevalier, A. (2010). Education and Health. In (pp. 111-180). OECD.
Motevaseli, M., & Ahanchian, M. (2016). *Economics of Education*. SAMT.
Niazazari, K., Esmaeili Shad, B., & Rabiei, M. (2011). *Policy-Making and the Public Policy Process in the Educational System*. Mehralnabi.
Oecd. (2022). *Education at a Glance 2022: OECD Indicators*. https://doi.org/10.1787/3197152b-en
Porter, T. M. (1995). *Trust in Numbers: The Pursuit of Objectivity in Science and Public Life*. Princeton University Press. https://press.princeton.edu/books/paperback/9780691208411/trust-in-numbers
Rose, N. (1999). *Powers of Freedom: Reframing Political Thought*. Cambridge University Press. https://doi.org/10.1017/CBO9780511488856
Scott, J. C. (1998). *Seeing Like a State: How Certain Schemes to Improve the Human Condition Have Failed*. Yale University Press. https://yalebooks.yale.edu/book/9780300078152/seeing-like-a-state/
Toshpulatov, K. (2025). Theoretical Foundations of Teaching Talented Students in Higher Education Institutions Based on a Differentiated Approach. *Информатика Экономика Управление - Informatics Economics Management*, *4*(1), 4001-4006. https://doi.org/10.47813/2782-5280-2025-4-1-4001-4006
Versteijlen, M., & Groesbeek, M. J. (2024). Perspective Chapter: Educational Technology Under Scrutiny in Higher Education – A Framework for Balancing Environmental, Economic and Social Aspects in a Blended Design. https://doi.org/10.5772/intechopen.1005117
Ziai, A. (2015). The Contribution of Discourse Analysis to Development Studies. In (pp. 1-17). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315753782

Copyright: © 2027 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.